

ادامه از صفحه اول

#### پول، تورم، ابرتورم و ایجاد آنها

برای نمونه، در دهه ۲۰۱۰، بسیاری از دولت‌های سراسر جهان کسری بودجه داشتند، اما اقتصاد آنها به‌ندرت با تورم زیادی مواجه شد.علل ایجاد تورم متفاوت از ایجاد ابرتورم هستند، اما این دو به‌راحتی با هم خلط می‌شوند. برای وقوع ابرتورم باید عوامل دیگری هم فعال شوند؛ اول از همه اینکه، یک اقتصاد برای تجربه ابرتورم، باید چندین سال تورم مزمن را تجربه کرده باشد. به عبارت دیگر، ابرتورم، تقریباً ابتدایه‌ساکن و ناگهانی اتفاق نمی‌افتد، بلکه حتماً از قبل علائم هشداردهنده‌ای، خبر از وقوع آن و حرکت به‌سوی آن داده‌اند و می‌دهند.

ابرتورم، اما ناشی از علل زیر است:

- شکست سیاست‌گذاری فرایند تثبیت تورم.
- ناکارایی نهادی که سبب ازدست‌رفتن اعتماد عمومی به دولت و اطمینان به فرایند تثبیت تورم شده است.
- مشکلات بین‌المللی.

در دوران تورم، قدرت خرید پول کم می‌شود. در این اوضاع، دارندگان پول داخلی که هیچ چاره‌ای برای حفظ ارزش پول خود در نتیجه اثر کاهنده تورم فراینده بر قدرت خرید پولشان در نظام پولی داخلی نمی‌بینند، در جست‌وجوی راه‌های بدیل پس‌انداز و حفظ ارزش پول خود به ارزهای خارجی، کالاهای بادوام و… روی می‌آورند.پس در شرایط ابرتورمی، پول کارکرد ذخیره ارزش خود را از دست می‌دهد، در این شرایط جایگزینی دارایی یا جایگزینی ارزی اتفاق می‌افتد. در این احوال، چه‌سبا پول داخلی هنوز در حکم واحد شمارش و وسیله مبادله عمل کند، اما دیگر کارکرد ذخیره ارزش را ندارد. اصطلاح دلاری‌شدن- استفاده گسترده از دلار یا پول خارجی دارای کارکرد حفظ ارزش- برای توصیف این وضع ابداع شد. دلاری‌شدن می‌تواند کامل باشد یا نسقه‌نیمه.در دنیای مدرن، دولت خالق پول است و این امر به حد فرایند ایجاد تورم و از آن مهم‌تر ابرتورم کمک می‌کند. میلیون فریدمن گفته مشهوری دارد که «تورم پایدار همیشه و همه‌جا یک پدیده پولی است، که این جمله اساس نظریه مقداری پول است که رابطه بین عرضه پول و سطح قیمت‌ها را در هر اقتصادی تحت شرایط معین نشان می‌دهد.فرض کنید شرایط اقتصادی عادی است و دولت کسری بودجه دارد؛ پس، دولت سه راه پیش‌رو دارد:

- افزایش مالیات برای عمل به تعهداتش.
- استقراض از بازارهای مالی داخلی یا خارجی.
- چاپ پول.

فرض کنیم اولی، مالیات‌گیری ناممکن است. این راه هم بگویم که کسری بودجه نه پیش‌شرط تورم است نه ابرتورم. پس، در وهله اول می‌ماند استقراض از بازار داخلی. مادامی که دولت بهره معقولی روی استقراض‌هایش می‌بردازد- اغلب در قالب اوراق دولتی بازاری- ارزش پول به‌قدر کافی بانابت به نظر می‌رسد و صاحبان و دارندگان پول داخلی مایل به خرید اوراق دولتی هستند و در نتیجه در تأمین مالی کسری بودجه دولت مشارکت می‌کنند. در این شرایط، لزومی ندارد که کسری بودجه با یک سیاست تأمین مالی نوری رفع‌ورجوع‌شود؛ اما توسعه کم بازارهای مالی داخلی و کم‌عمق‌بودنشان و سیاست‌گذاری نادرست روی نرخ‌های بهره اوراق دولتی می‌تواند مشکلاتی را برای تأمین مالی کسری بودجه مبتنی بر اوراق دولتی ایجاد کند.البته، یک دولت می‌تواند از بازارهای خارجی هم پول قرض کند که این امر مستلزم شرایطی است مثل اعتبار سیاست‌گذاری، شهرت نهادی و رویکرد سیاست خارجی آن کشور؛ اما اگر دولتی نتواند برای کسری بودجه خود از بازارهای داخلی یا خارجی قرض بگیرد و مالیات‌های هم برایش مثلاً به‌دلیل رکود اقتصادی ناممکن باشد، بنابراین حرکت به‌سوی پولی‌سازی کسری بودجه از رهگذر اتخاذ سیاست تورمی را در پیش می‌گیرد و در مسیر ابرتورم گام برمی‌دارد. در نتیجه این امر و افزایش تورم، ارزش واقعی درآمدهای دولت کاهش می‌یابد و همین سبب می‌شود کسری بودجه دولت اثر مخرب‌تری داشته باشد، چون مدام باید تأمین مالی تورمی شود. گوئی، خود خونس را می‌خورد. پس کسری بودجه به‌خودی‌خود عامل تورم نیست، بلکه این شیوه تأمین مالیی تورمی آن است که مشکل‌زاست. این ناتوانی یک دولت در استقراض است که به اتخاذ یک سیاست تورمی و سرانجام ابرتورم می‌انجامد. مشکلی بعدی هم از اینجا شروع می‌شود که واکنش‌ها به سیاست‌گذاری تورمی دولت بدل می‌شود به یک دانش عمومی و واکنش‌های فعالی مانند افزایش قیمت‌ها و دستمزدها به آن نشان داده می‌شود؛ سفته‌بازی و ذخیره‌کردن پول نیز ظهور می‌کند و به شکلی اجتناب‌ناپذیر در مسیر شتاب‌گرفتن تورم تشدید می‌شوند. از اینجا به بعد، افراد در انتظارات تورمی‌شان هدایت می‌شوند که اساساً از سیاست‌گذاری دولت تحت لوای محدودیت‌های نهادی مشخصی تأثیر می‌پذیرد. در این شرایط، هر سیاستی که دولت اعلام می‌کند و در کنترل تورم ناگام می‌ماند، بار دیگر پیچی در ماریج تورمی ایجاد می‌کند و چرخه معیوب شکست سیاست‌گذاری تثبیت تورم از جانب دولت را به انتظارات تورمی مردم گره می‌زند و رفتار سفته‌بازانه و ذخیره‌کنندگی را تشدید می‌کند. اگر در جهان مدرن، استراتژی یک دولت به‌ترین استفاده از تورم باشد و مردم این را بفهمند که حتماً به‌دلیل انتظارات عقلایی‌شان می‌فهمند، بهترین استراتژی متقابل آنها این است که قیمت‌ها را به سطحی بالاتر از آنچه دولت می‌توانست بهترین استفاده را کند، ببرند که چنین تعاملی حتماً به یک چیز ختم می‌شود: ابرتورم!

با وجود آنکه تلاش مداوم برای تنظیم و گسترش روابط مبتنی بر امنیت ملی و منافع ملی ایران، با همه کشورها و به‌ویژه کشورهای قدرتمند و مؤثر جهان، وظیفه ذاتی و ضروری وزارت امور خارجه است، اما انتشار «ویرایش نهایی برنامه همکاری‌های جامع (۲۵ساله) ایران و چین» ازسوی واحدی به‌نام «دبیرخانه سازوکار مشارکت جامع راهبردی ایران و چین وزارت امور خارجه» در فضای مجازی، واکنش‌های تندی درپی داشته است. شوق و هیجان و تمجید کاسبان تحریم و ماجراجویان دیپلماسی‌ستیز که برخی کرامات معنوی هم برای این سند قائل شدند، سوظن و تردید نسبت به ماهیت این سند همکاری را دوچندان کرد. برخی توضیحات وزارت امور خارجه همچون تمجید از چین به خاطر خرید نفت ایران در دوران تحریم نیز، تردیدها را تشدید کرد. طبعاً باید مراقب بود که به بیماری دیپلماسی‌ستیزی و دیپلماسی‌هراسی دامن زده نشود، اما باید به این ابهامات و تردیدها نیز پرداخت.

ایران ۱۵ سال است که پس از چشیدن طعم موفقیت‌های بزرگ دیپلماتیک در تحقق امنیت ملی، منافع ملی و توسعه ملی، گرفتار دیپلماسی‌ستیزی و دیپلماسی‌هراسی شده است. دولت احمدی‌نژاد نهاد موفق دیپلماسی را منهدم و به‌جایش آژانس سفرهای تفریحی رئیس‌جمهور، خانواده و دوستان، به ناشناخته‌های آفریقا و آمریکا را بنا کرد. مبارزه با برجام و پایکوبی برای زمین‌گیرشدن برجام ازسوی ترامپ و پایکوبی برای رفتن ایران به فهرست سیاه FATF از نمادهای متاخر این دیپلماسی‌ستیزی است. آنان در تصویری ماجراجویانه از دیپلماسی، این نوع سیاست خارجی را ارزشی و به ظاهر در تعارض با دیپلماسی حرفه‌ای می‌دانند. در شرایط کنونی سیاست خارجی منطقه‌ای ایران گرفتار چنین روایتی از دیپلماسی است. آنان برای روابط با جمهوری خلق چین در این روایت مخدوش از سیاست خارجی ارزشی، جایگاه ویژه‌ای قائل هستند و رفتار مغایر چین و نشانه‌های وارونگی این کشور را به چین نیز ظاهراً مرددشان نمی‌کند.

باوجود مناقشات جدیدی که چین با آمریکا دارد و به‌رغم برخی رفتار مستقل‌تر جدید سیاسی چین مانند وتوی قطع‌نامه‌های مورد نظر آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل علیه سوریه و باوجود موضع متعادل چین در حمایت از برجام که البته بیشتر به هويت برجام و موضع مشترک چین با پنج عضو دیگر برجام مربوط می‌شود و صرف نظر از محتوای سند همکاری‌های ۲۵ ساله، با سوابق ذیل بعید به نظر می‌رسد که جمهوری خلق چین حاضر به امضای این سند با جمهوری اسلامی ایران، در وضعیت بحرانی کنونی روابط ایران و آمریکا بشود.

۱) در این سند روابط ایران و چین راهبردی تعریف شده است. پیش از این نیز رئیس‌جمهور چین به راهبردی‌بودن روابط دو کشور اشاره کرده است. به دلیل آنکه در چین برخلاف ایران، مقامات کم و دقیق درباره مسائل خارجی سخن می‌گویند، این موضع به معنای تغییر بیان دولت چین درباره تعریف روابطش با ایران است. در ۲۵ سال گذشته دولت چین برای در مذاکرات اعلام کرده که از نظر جمهوری خلق چین روابط ایران و چین راهبردی نیست و چین انتظار دارد که این عنوان برای توصیف روابط از سوی طرف ایرانی نیز به‌کار برود. وقتی من در دوره مسئولیت‌م نسبت به این افشاری چنین‌ها، حساسیت نشان دادم و معترضانه از همتای خود پرسیدم که دولت چین چه تعریفی را روابط دو کشور دارد؟ اظهار کرد: ما روابط چین با ایران را در حد روابط با همسایگان تعریف می‌کنیم که البته روابط با همسایگان در سیاست خارجی چین اهمیت زیادی دارد.

۲) اولین همکاری مهم تجاری ایران- چین پس از انقلاب اسلامی، مربوط به فروش سلاح و به‌ویژه موشک‌های میان‌برد و کوتاه‌برد چینی به ایران در دوران جنگ با رژیم صدام است. در شرایطی که هیچ کشوری به ایران سلاح نمی‌فروخت و شوروی در درجه بعد فرانسه، نیاز تسلیحاتی رژیم صدام را بسیار سخاوتمندانه تأمین می‌کردند، سلاح‌های چینی و سلاح‌های کره شمالی که با اجازه چین به ایران فروخته می‌شد، برای ایران ارزشمند بود. البته بعدها مشخص شد که در این دوره چین چهار برابر ایران به رژیم صدام سلاح فروخته است.

۳) ۲۳ سال پیش دولت چین توقف همکاری خود با پروژه هسته‌ای ایران در اصفهان را به قیمت رفع تحریم‌های آمریکا علیه چین، به معامله گذاشت و توانست با خروج یکجانبه از قرارداد ساخت کارخانه هسته‌ای UCF اصفهان، راه را برای رفع تحریم‌هایی در کنگره آمریکا هموار کند که به‌خصوص پس از کشتار صدها نفر در میدان تیانانمن یکژان سال ۱۹۸۹ از سوی کنگره آمریکا علیه این کشور اعمال شده بود. در ادامه نیز، چین تحت مراقبت‌های شدید آمریکا، همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران را شدیداً محدود کرد.

۴) در ۲۵ سال گذشته چین در برابر مناقشات ایران و آمریکا به لحاظ سیاسی منفعل عمل کرده و هرگز حاضر به دادن امتیازی به ایران در مقابل آمریکا نشده است. رای چین در شورای امنیت سازمان ملل درباره مسائل مربوط به ایران منطبق با رای آمریکا بوده است. در ربع قرن گذشته نه تنها چین موضوعی را به نفع ایران وتو کرده است، بلکه حتی حاضر به دادن رای ممتنع هم نشده و عیناً مانند آمریکا رای داده است.

۵) ۱۵ سال پیش اعزام فرستاده‌های ویژه مقامات ایران به چین و ارائه پیشنهادهای از نظر ایران جذاب همکاری‌های اقتصادی، نتیجه‌ای نداشت. رهبران چین

خود را حل کنند و نگذارند روابط ایران با کشورهای همسایه ایران بحرانی شود. آنان به صراحت ابراز می‌کردند که اولویتشان توانمندکردن اقتصاد چین و رفع فقر مردم چین است.

۶) با اینکه ایران از اولین کشورهای داوطلب پیوستن به پیمان امنیتی شانگهای متشکل از کشورهای آسیای سفرهای تفریحی رئیس‌جمهور، خانواده و دوستان، هند بعد از ایران داوطلب شدند و به این پیمان پیوستند، اما ایران هنوز عضو رسمی نشده و ناظر است. اگر چین تنها عامل تعلیق عضویت ایران در پیمان شانگهای تا زمان کاهش بحران روابط ایران و آمریکا نباشد، حتماً یکی از عوامل اصلی تعلیق است.

۷) چین هرگز از منافع تجاری دوزدن تحریم‌های آمریکا علیه ایران، رویگردان نبوده و درآمدهای هنگفتی هم از این راه به دست آورده است. چین در دوران تحریم‌های پیش از برجام، اقدام به تأسیس بانک کوچک «کونلون» صرفاً برای همکاری‌های بانکی با ایران تحت تحریم کرد. این بانک اکنون بانک بسیار ثروتمندی شده است که منافع سرشاری از کمک به دوزدن تحریم‌های ایران به‌دست آورده است. آنچه چین را در دوره اخیر تحریم‌های آمریکا خیلی محدود و تقریباً متوقف کرده است، اجرای مجازات‌های مالی بسیار سنگینی است که آمریکا به طرف‌های همکاری با ایران برای دوزدن تحریم‌ها تحمیل می‌کند. علاوه بر این هزینه‌ها، که در یک مناقشه تعرفه‌ای حساس و به‌رژینه‌ها با آمریکا به سر می‌برد، این کشور برای حفظ و تداوم مناسبات اقتصادی خود با بزرگ‌ترین شریک اقتصادی‌اش، یعنی آمریکا که روابطش با فاصله خیلی زیاد چند برابر هر شریک دیگر چین است، تحت هیچ شرایطی حاضر به ریسک نخواهد بود و قرار نیست هیچ همکاری اقتصادی با ایران را که منجر به تیره‌ترشدن روابط اقتصادی چین با آمریکا شود، از سر بگیرد یا ادامه دهد.

۸) ۱۹ سال پیش هنگامی چین برای اولین‌بار در رقابت با ژاپن، داوطلب اعضای ۵۰۰ میلیون دلار تسهیلات برای روابط تجاری ایران و چین شد که اندکی پیش از آن، ژاپن یک وام سه میلیارد دلاری با بهره پایین و غیرمشروط به ایران داده بود؛ وامی که نهایتاً به هفت میلیارد دلار بالغ شد. ۱۰ سال پیش دولت چین در قبال درخواست احمدی‌نژاد برای اعطای تسهیلات به ایران، پیشنهاد داد که ایران ۱۵ میلیاردیورو از دارایی خود در خارج را در بانک کونلون چین سپرده کند و درمقابل بانک کونلون به همان میزان به ایران تسهیلات بدهد. در ۲۵ سال گذشته دولت چین تعریفی را پذیرفت. ماجرای این سپرده که همچنان داستانی در روابط بانکی دو کشور است: نرخ تسهیلات و نرخ‌های تبدیل مکرر یورو به یوان و برعکس و

نرخ‌های نقل‌وانتقال، حتی برای خرید کالاهای چینی، عملاً این فرایند را به یکسای گران‌فروشی غیرمنصفانه‌ترین همکاری‌های بانکی بین‌المللی بدل بران کرده است.

۹) هشت سال پیش، دولت چین در بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری خارجی خود، قراردادی با دولت پاکستان برای تأسیس کریدور اقتصادی چین- پاکستان منعقد کرد. ساخت‌وسازهای این قرارداد

۴۳ ساله با مشارکت ۸۰ هزار چینی و ۴۰ هزار پاکستانی و با اعتبار ۴۲ میلیارد دلار که نهایتاً به ۶۲ میلیارد دلار بالغ شد، ۲۰درصد وام و ۸۰درصد سرمایه‌گذاری مستقیم چین) در حال اجرا است. محور اصلی پروژه، بندر گوادر پاکستان در جوار مرز ایران در خلیج گوادر در دریای عمان است. شبکه حمل‌ونقل متنوع و مدرن، از جمله راه‌آهن گوادر- کراچی که بازسازی، نوسازی، تکمیل و به راه‌آهن چین در شهر کاشغر در استان مسلمان‌نشین سین‌کیانگ متصل می‌شود، بخش مهم پروژه است. فرودگاه بین‌المللی گوادر، مرکز درمانی، نیروگاه ۳۰۰ مگاواتی و یک نیروی امنیتی مشترک ۱۰ تا ۲۵ هزار نفره، نیازهای فوری بندر گوادر در استان بسیار فقیر و پرخطر بلوچستان پاکستان را تأمین خواهد کرد. این قرارداد به نوعی اجاره ۴۳ ساله بندر گوادر به چین و به‌منزله حضور حتی نظامی چین در مجاورت مرزهای دریایی ایران است. این قرارداد، بخشی از پروژه بزرگ موسوم به «ابتکار کمربند- جاده» مطرح‌شده ازسوی شی‌جین‌پینگ، رهبر چین در سال ۲۰۱۳ است که مسیرهای حمل‌ونقل آینده چین با سایر نقاط جهان را تعریف می‌کند. تقریباً هم‌زمان با این قرارداد، چین ساخت کریدور راه‌آهن عظیم چین به آلمان ازطریق قزاقستان و روسیه در مسیر شمال دریای خزر را به‌عنوان

## دیپلماسی

**محسن امین‌زاده**، معاون وزارت خارجه در دولت اصلاحات



محسن امین‌زاده، معاون وزیر امور خارجه

بزرگ‌ترین مسیر ارتباطی آینده چین و اروپا و بخش مهمی از پروژه عظیم کمربند- جاده، دنبال کرده است. مسیر فرعی این خط آهن ازطریق قزاقستان و ترکمنستان می‌تواند به ایران برسد و ازطریق راه‌آهن ایران به ترکیه و اروپا وصل شود. این دو پروژه‌های عظیم در صورت اجرا، بخش مهمی از فرصت طبیعی مسیر ایران به عنوان پل تاریخی میان آسیا و اروپا را تضعیف می‌کند. باوجوداین، ظاهراً ایران آخرین کشور مهمی است که در برابر‌ها این پروژه‌های عظیم طرف گفت‌وگو قرار گرفته و موضوعاتی مرتبط با آن در پیش‌نویس سند همکاری ۲۵ ساله دو کشور گنجانده شده است.

این موارد همه نشان از ظرفیت‌های متنوع، بسیار مهم و گسترده همکاری‌های ایران و چین دارد؛ اما نشانی از رفتار سخاوتمندانه و با صلایت چینی‌ها ندارد. دولت چین برای تأمین منافع ملی کشورش، در صورت لزوم از تعهدات اخلاقی متعارف میان دولت‌ها نیز عدول کرده است. این پیشینه حاکی از آن است که ایران باید در همکاری‌های درازمدت با جمهوری خلق چین خیلی جدی و مصمم، ولی دقیق، همه‌جانبه‌نگر و طبعاً با رعایت مداوم منافع ملی ایران عمل کند.

۳ آنچه به‌عنوان پیش‌نویس سند همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین منتشر شده است، صرف‌نظر از برخی کاستی‌های قابل اصلاح، تحول مهمی در روابط ایران و چین و تحول مهمی در سیاست خارجی ایران است و به‌رژینه‌ها و منافع هر پرروزه، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تعریف خواهد شد. نهادهای ذی‌ربط در دو کشور از شرکت‌ها و بنگاه‌های ذی‌ربط دعوت به همکاری خواهند کرد و داوطلبان، پیشنهادها‌شان را به طرف ذی‌نفع عرضه خواهند کرد و درنهایت مناسب‌ترین پیشنهادها مبتنی بر مصلحت، ضرورت، کیفیت و منافع متقابل، توسط طرف ذی‌نفع نه از میان داوطلبان صاحب صلاحیت در بازار بین‌المللی، انتخاب خواهند شد و در هر مورد، قراردادهای حقوقی، مالی و اعتباری میان بنگاه‌های دو کشور منعقد خواهد شد. نه قرار است طرفین به‌خاطر این چارچوب همکاری از کار با شرکت‌ها و بنگاه‌های رقیب

دری موارد مهم‌تر مرتبط با سند اشاره می‌کنم: ۱) بدیهی است که چنین سندی، قرارداد نیست و هیچ عدد و رقم و تعهد حقوقی اجتناب‌ناپذیری در چنین سندی گنجانده نمی‌شود. طبعاً در آینده برای هرکدام از موضوعات این سند، پروژه‌های متعدد، متناسب با هزینه‌ها و منافع هر پرروزه، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تعریف خواهد شد. نهادهای ذی‌ربط در دو کشور از شرکت‌ها و بنگاه‌های ذی‌ربط دعوت به همکاری خواهند کرد و داوطلبان، پیشنهادها‌شان را به طرف ذی‌نفع عرضه خواهند کرد و درنهایت مناسب‌ترین پیشنهادها مبتنی بر مصلحت، ضرورت، کیفیت و منافع متقابل، توسط طرف ذی‌نفع نه از میان داوطلبان صاحب صلاحیت در بازار بین‌المللی، انتخاب خواهند شد و در هر مورد، قراردادهای حقوقی، مالی و اعتباری میان بنگاه‌های دو کشور منعقد خواهد شد. نه قرار است طرفین به‌خاطر این چارچوب همکاری از کار با شرکت‌ها و بنگاه‌های رقیب

در بازار بین‌المللی صرف‌نظر کنند و نه قرار است که انحصار و محدودیتی برای فعالیت‌های اقتصادی هرکدام از طرفین ایجاد شود. به تعبیر ساده نه نفتی به قیمت غیرمتعارف به چین فروخته خواهد شد و نه خط مترویی با شرایط غیرقانونی توسط چین در ایران ساخته خواهد شد. تنها این سند در یک چارچوب کلان، راهنما و مشوق ذی‌نفعان در دو کشور است که تلاش کنند

با انعطاف‌های مقتضی و هنجار، فرصت‌های همکاری دو کشور را به‌ویژه در زمینه‌های مندرج در سند، در چارچوب قوانین دو کشور و قوانین بین‌المللی، گسترش و ارتقا دهند.

۲) یکی از ظرفیت‌های طبیعی و ابدی اقتصادی ایران، موقعیت ژئوپلیتیک ایران به‌عنوان مسیر ترانزیت طبیعی شرق و غرب و جنوب و شمال در میانه دو آبراه خلیج‌فارس و دریای خزر است. به‌همین‌دلیل ایران اقتصادترین مسیر ترده هوایی میان اروپا و آسیا نیز هست. هر فرصتی که پروژه‌های راهبردی حمل‌ونقل جمهوری خلق چین را به عبور از ایران پیوند بزند، فرصت راهبردی مهمی برای ایران است. طبعاً هر پیوندی از این نوع، در آینده با بهبود امنیت در افغانستان و عراق و سوریه می‌تواند به تحولات راهبردی‌تری نیز منجر شود. کریدور جنوب به شمال ایران از چابهار، با وجود تمایل جدی هندی‌ها، هنوز به منابع سرانجام قابل توجهی نرسیده است. همچنین تاکون چشم‌اندازی از ارتباط ریلی چین با ایران از مسیر فرعی راه‌آهن شمال هم دیده نشده است. در برنامه همکاری ۲۵ساله ایران و چین، برای اولین‌بار رسماً جایی برای حضور ایران در این پروژه‌های راهبردی گشوده شده است. در قیاس با ابعاد بزرگ سرمایه‌گذاری چین در پاکستان، سهم

حمل‌ونقل در برنامه ۲۵ساله با ایران محدود است. درعین‌حال به‌صورت پرتنگی «تقویت همکاری‌های دو جانبه در چارچوب ابتکار (کمربند- راه)» در این سند آمده است. می‌توان امیدوار بود که از برنامه همکاری ۲۵ساله برای حفظ واحیای بخش‌های همچنان مهمی از ظرفیت‌های بالقوه ترانزیتی ایران استفاده شود. ظرفیت‌هایی که تاکنون با گسترش مسیرهای جایگزین و برخی اشتباهات راهبردی ایران تضعیف و تخریب شده است.

۳) یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های زودبازده ترانزیتی ایران، احیای کریدور هوایی اروپا و آسیا از طریق فرودگاه امام خمینی در تهران و تدریجاً سایر فرودگاه‌های بین‌المللی ایران است. درصورتی‌که هواییماهای مسیر اروپا – آسیا و بالعکس به‌جای سوخت‌گیری در فرودگاه دبی یا دوحه در فرودگاه تهران سوخت‌گیری کنند، مدت پرواز هواییماها به‌طور متوسط ۵۰ دقیقه کاهش می‌یابد. این نقضات به‌لحاظ کاهش هزینه سوخت و کاهش آلودگی زیست‌محیطی رقم خیلی بزرگی است و برای ایران بسیار سودآور است. قرار بود در سال ۱۳۸۳ شرکت ترکی تاو سازنده و مجری فرودگاه عظیم استانبول این فرصت بزرگ را طی مدت قرارداد، برای فرودگاه امام فراهم کند. کاری که در سال ۱۳۸۳ با اقدام سلسلخانه سیاه در بستن باند فرودگاه امام خمینی و تیراندازی و ممانعت از اجرای قرارداد همکاری ۱۵ساله شرکت ترکی‌های طرف قرارداد، حداقل برای دو دهه کشور را از یکی از ساده‌ترین درآمدهای بزرگ و پایدار خود محروم کرد و با حادثه تلخ و اندوهبار هواییما اوکرائنی در سال گذشته، این مزیت لطمه خیلی بیشتری دید. اهمیت وجود یک شریک خارجی این است که هیچ شرکت هوایی خارجی حاضر نیست با اعتماد به مدیریت فرودگاه امام و بدون اطمینان از خدمات فرودگاهی تضمین‌شده توسط یک مجری موفق بین‌المللی، مسیر پروازی خود را از دویی به تهران تغییر دهد. ۱۶ سال پیش شرکت تاو قرار بود چنین نقشی ایفا کند، اینک شاید اشتیاق کارکردن دولت بنهان با چین و فقدان حساسیت نسبت به چین در میان نظامیان، این امکان را فراهم کند که با کمک چینی‌ها، هرج‌ومرج مدیریت فرودگاه امام و حمل‌ونقل بین‌المللی هوایی ایران، ترمیم شود و مناسبات نهادی نظامی و امنیتی نهادهای توسعه‌ای در این فرودگاه مثل تمامی عالم به سمت سازگاری و هماهنگی این دو هدایت شود و در دو دهه آینده حداقل بخشی از فرصت دالمنی اقتصادی ترانزیت هوایی آسیا به اروپا از فضای ایران، به‌عنوان ارزان‌ترین مسیر امن تردد هوایی آسیا به اروپا با مشارکت چین احیا شود.

۴) در متن سند، فصلی به توسعه غرب بندر گوادر یعنی منطقه مکران در ایران نیز اختصاص دارد. از جمله به توسعه بندر جاسک، تأسیس شهر هرکدام از موضوعات این سند، پروژه‌های متعدد، متناسب با هزینه‌ها و منافع هر پرروزه، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تعریف خواهد شد. نهادهای ذی‌ربط در دو کشور از شرکت‌ها و بنگاه‌های ذی‌ربط دعوت به همکاری خواهند کرد و داوطلبان، پیشنهادها‌شان را به طرف ذی‌نفع عرضه خواهند کرد و درنهایت مناسب‌ترین پیشنهادها مبتنی بر مصلحت، ضرورت، کیفیت و منافع متقابل، توسط طرف ذی‌نفع نه از میان داوطلبان صاحب صلاحیت در بازار بین‌المللی، انتخاب خواهند شد و در هر مورد، قراردادهای حقوقی، مالی و اعتباری میان بنگاه‌های دو کشور منعقد خواهد شد. نه قرار است طرفین به‌خاطر این چارچوب همکاری از کار با شرکت‌ها و بنگاه‌های رقیب

در بازار بین‌المللی صرف‌نظر کنند و نه قرار است که انحصار و محدودیتی برای فعالیت‌های اقتصادی هرکدام از طرفین ایجاد شود. به تعبیر ساده نه نفتی به قیمت غیرمتعارف به چین فروخته خواهد شد و نه خط مترویی با شرایط غیرقانونی توسط چین در ایران ساخته خواهد شد. تنها این سند در یک چارچوب کلان، راهنما و مشوق ذی‌نفعان در دو کشور است که تلاش کنند

با انعطاف‌های مقتضی و هنجار، فرصت‌های همکاری دو کشور را به‌ویژه در زمینه‌های مندرج در سند، در چارچوب قوانین دو کشور و قوانین بین‌المللی، گسترش و ارتقا دهند.

۲) یکی از ظرفیت‌های طبیعی و ابدی اقتصادی ایران، موقعیت ژئوپلیتیک ایران به‌عنوان مسیر ترانزیت طبیعی شرق و غرب و جنوب و شمال در میانه دو آبراه خلیج‌فارس و دریای خزر است. به‌همین‌دلیل ایران اقتصادترین مسیر ترده هوایی میان اروپا و آسیا نیز هست. هر فرصتی که پروژه‌های راهبردی حمل‌ونقل جمهوری خلق چین را به عبور از ایران پیوند بزند، فرصت راهبردی مهمی برای ایران است. طبعاً هر پیوندی از این نوع، در آینده با بهبود امنیت در افغانستان و عراق و سوریه می‌تواند به تحولات راهبردی‌تری نیز منجر شود. کریدور جنوب به شمال ایران از چابهار، با وجود تمایل جدی هندی‌ها، هنوز به منابع سرانجام قابل توجهی نرسیده است. همچنین تاکون چشم‌اندازی از ارتباط ریلی چین با ایران از مسیر فرعی راه‌آهن شمال هم دیده نشده است. در برنامه همکاری ۲۵ساله ایران و چین، برای اولین‌بار رسماً جایی برای حضور ایران در این پروژه‌های راهبردی گشوده شده است. در قیاس با ابعاد بزرگ سرمایه‌گذاری چین در پاکستان، سهم

ادامه در صفحه ۸

# ایران و چین: روابط راهبردی، تجربه توسعه

کوتاه از دیپلماسی

#### اطلاعیه سازمان هوپایمایی کشوری

#### آغاز بررسی

#### جعبه‌های سیاه هوپایمایی اوکرائنی

● **وب‌سایت سازمان هوپایمایی کشوری**، روابط عمومی سازمان هوپایمایی کشوری در اطلاعیه‌ای از ورود گروه اعزامی سازمان هوپایمایی کشوری، در روز ۳۰ تیرماه ۱۳۹۹ به همراه جعبه‌های سیاه پرواز PS752 ساخته‌دیده اوکرائنی به لابراتور دفتر بررسی و تحلیل ایمنی هوپایمایی کشوری فرانسه BEA خبر داد. براساس این گزارش، جلسه هماهنگی در حال برگزاری است و کار بازیابی و دریافت اطلاعات جعبه‌های سیاه از دوشنبه آغاز شد. جعبه‌های سیاه هوپایمایی مذکور پس از وقوع سانحه بلافاصله تحویل سازمان هوپایمایی کشوری شده و در محل امنی در همین سازمان تحت تدابیر فنی و امنیتی مناسب طبق مقررات نگهداری گردید. جعبه‌های سیاه روز جمعه ۲۷ تیرماه سال جاری با رعایت پروتکل‌های فنی و امنیتی و همراهی پلیس فرودگاه‌ها در معیت تیم تخصصی از محل این سازمان به فرودگاه امام خمینی منتقل و رهسپار پاریس شد. پس از ورود به پاریس هم با هماهنگی سفارت ایران در پاریس، پلیس فرانسه مسئولیت محافظت از جعبه‌ها را تا محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس و پس از آن به لابراتور برعهده گرفت. مطابق مقررات بین‌المللی و قوانین داخلی سازمان هوپایمایی کشوری ایران، مسئولیت بررسی سانحه مذکور را برعهده دارد. با توجه به اینکه مقامات قضائی نیز در حال رسیدگی به پرونده هستند، مقام محترم قضائی نیز مطابق استانداردهای ضمیمه ۱۳ پیمان شیکاگو در فرایند بازخوانی حضور دارد و بازخوانی جعبه‌های سیاه با هدایت مسئول بررسی سانحه و در لابراتور فرانسه صورت می‌گیرد. در اجرای مقررات بین‌المللی، کشور طراح و سازنده هوپایما و همچنین اوکراین به‌عنوان کشور محل ثبت و بهره‌بردار هوپایما از طریق معرفی نماینده رسمی در مراحل بررسی سانحه شرکت می‌کنند، با توجه به اینکه بازخوانی در لابراتور کشور فرانسه انجام می‌شود، کشور فرانسه نیز با معرفی نماینده‌ای در تحقیقات مرتبط شرکت می‌نماید. سایر کشورها که به دلایلی نظیر جان‌باختن اتباع خود ذی‌نفع موضوع رسیدگی به سانحه هستند نیز می‌توانند نسبت به معرفی کارشناسانی در جریان روند بررسی سانحه قرار گیرند و از طریق مسئول بررسی سانحه به داده‌ها و گزارش نهایی بررسی سانحه نیز دسترسی داشته باشند. بر اساس مقررات بین‌المللی کشورهای کانادا، سوئد، آلمان و انگلستان درخواست خود را مبنی‌بر حضور نماینده در فرایند بازخوانی ارائه نمودند که با موافقت مسئول بررسی سانحه، نمایندگان کانادا، سوئد و انگلستان جهت مشاهده فرایند بازخوانی در فرانسه حضور دارند. هدف از انجام این تحقیقات، ارتقای سطح ایمنی هواودن از طریق شناسایی و رفع زمینه‌ها و علل حادثه آن بوده و مستقیلاً از رسیدگی‌های قضائی در دست انجام است.

### استقبال زلنسکی از ارسال جعبه‌های سیاه هوپایمایی اوکرائنی به فرانسه

● **ایستا**: ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، روز دوشنبه از فرستادن جعبه‌های سیاه هوپایمایی اوکرائنی به فرانسه از سوی ایران استقبال و بیان کرد کسانی که مسئول این حادثه بوده‌اند، پاسخ‌گو خواهند بود. به گزارش خبرگزاری رویترز، زلنسکی همچنین اظهار کرده کارشناسان اوکرائنی نیز به‌همراه کارشناسان دیگر کشورها از جمله کانادا، آمریکا و فرانسه در روند رمزگشایی جعبه‌های سیاه حضور خواهند داشت.

#### ظریف:

### روابط قوی با همه عراقی‌ها سنگ‌بنای سیاست ایران است

● **ایلنا**: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران با انتشار تصاویری از دیدارهای خود با مقامات اقلیم کردستان عراق در توئیتر نوشت: «در ادامه سفر سازنده به کردستان عراق با «مسعود بارزانی» رئیس حزب دموکرات کردستان عراق، رئیس اقلیم و «مسور بارزانی» نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق دیدار کردم». او افزود: «روابط قوی با همه عراقی‌ها به‌عنوان سنگ‌بنای سیاست ایران باقی می‌ماند، همسایگان اولویت ما هستند».

### بیانیه شورای عالی قضائی عراق درباره جزئیات دیدار با ظریف

● **ایلنا**: فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضائی عراق روز دوشنبه اعلام کرد که در دیدار با محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در بغداد اقدامات کشور عراق در زمینه پرونده ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس و ابوهمدی المهندس، جانشین فرمانده حشدالشعبی در فرودگاه بین‌المللی بغداد را بررسی کرده است. در بیانیه شورای عالی قضائی عراق آمده است، «زدان برای هیئت ایرانی توضیح داد که شورای عالی قضائی عراق این حادثه را یک جنایت کیفری می‌داند و تحقیق درباره آن بر اساس قانون اصول محاکمه‌های کیفری عراق ادامه دارد؛ به‌ویژه اینکه شهید مهندس سمت رسمی در کشور عراق داشته و معاون رئیس یک نهاد رسمی در کشور بوده است.»